

بسم الله الرحمن الرحيم  
فرمت مشترک برنامه‌های میان مدت میزکارهای تخصصی  
(عناصر مشترک الزامی در بسته جامع حل مسئله)  
فرم شماره ۲  
میز اسلامی سازی علوم انسانی

شناسنامه تفصیلی حل مسئله

عنوان مسئله:

ضعف گفتمان انتقادی و رویکرد اسلامی در ساحت‌های معرفتی و فرهنگی علوم انسانی

توصیف چستی و ابعاد مسئله

عدم توسعه گفتمان انتقادی نسبت به علوم انسانی سکولار در نهادهای علمی و مراکز حوزوی کشور و فقدان رویکرد اسلامی در علوم انسانی موجود که به نوبه خود موجبات ناهماهنگی این علوم با لایه‌های فرهنگی و تمدنی بومی و دینی جامعه ایران اسلامی را فراهم نموده مسئله مهمی است که باید در جهت یافتن راهکارهای اساسی برای حل آن تلاش وافر نمود. میز علوم انسانی با توجه به مأموریتی که از جانب قطب فکری فرهنگی دفتر تبلیغات دارد، در صدد فراهم نمودن بستر مناسب برای فهم خلاءهای موجود و سپس ایجاد زمینه‌های مناسب برای حل مسأله از یک سو و افق‌گشایی جهت ارائه رویکردهای اسلامی از دیگر سو می‌باشد. این مسئله دارای ابعاد زیر است:

۱. شیوع و ترویج گسترده علوم انسانی غربی اومانیستی و عدم دستیابی به جایگاه شایسته در علوم انسانی
۲. عدم محوریت یافتن نظریه‌پردازان علوم انسانی اسلامی و ضعف در بسط اندیشه‌های آنان
۳. عدم تناسب کافی ساختارهای موجود جهت دستیابی به علوم انسانی اسلامی
۴. ضعف در فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی علوم انسانی اسلامی

تبیین زمینه‌ها، ریشه‌ها و علل مسئله

ظهور مسئله مذکور برخاسته از زمینه‌های تاریخی-اجتماعی از آغاز مواجهه مسلمانان با دنیای مدرن غرب است که بیش از حدود صد سال از آن می‌گذرد و در طی این دوران، دو جریان روشنفکران غرب‌گرا و علمای دینی در مواجهه با این علوم از ابتدا تاکنون به آن واکنش نشان داده‌اند. این زمینه‌ها در حوزه‌های مختلف بوده است:

**زمینه‌های بین‌المللی:** مواجهه جهان اسلام از جمله ایران بعد از فترتی طولانی با مدرنیته و مظاهر آن

**زمینه‌های داخلی سیاسی-اقتصادی:** ۱. انفعال نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران پیش از انقلاب اسلامی، به ویژه حکومت پهلوی، نسبت به علوم و مظاهر مدرنیته و به تبع تبعیت تقلیدی حداکثری حتی در علوم انسانی و سوق‌دادن سرمایه‌های مالی و ساختارها در این جهت ۲. ناکام‌ماندن انقلاب فرهنگی به علت الف) فقدان نظریه‌های قابل اتکا برای اداره کشور در حوزه‌های علوم انسانی مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی در دوره بعد از انقلاب. ب) شهادت نظریه‌پردازانی که

قابلیت جبران این خلاء را داشتند ج) محدودماندن انقلاب فرهنگی به اصلاح متون به دلیل مشکلات اقتصادی و سیاسی ناشی از جنگ تحمیلی؛ ۳. وابستگی دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی به علوم انسانی غربی برای اداره کشور به علت فقدان علوم انسانی اسلامی.

**زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی:** ۱. توجه به تراث ایرانی-اسلامی در دوره‌های قبل از انقلاب اسلامی، به عنوان زینه المجالس بدون اثرگذاری در حوزه اجرائی و اداره امور فرهنگی و اجتماعی کشور با تقلید از الگوی علوم انسانی غربی ۲. گسترش اقبال به علوم انسانی غربی به تناسب بسط و گسترش فرهنگ غرب و مظاهر تکنیکی آن در ایران و تغییر سبک زندگی ایرانی-اسلامی ۳. خوگرفتن با فرهنگ و سبک زندگی وارداتی در اثر پمپاژ رسانه‌ها و غفلت از توجه به اقتضائات بومی و دینی.

**علل و ریشه‌ها:** مهمترین علل معرفتی ترویج و گسترش علوم انسانی سکولار و فقدان گفتمان انتقادی و رویکرد اسلامی در مواجهه با این علوم را می‌توان به این شرح بیان داشت:

۱. هزینه‌بردار بودن پاسخ به نیازهای جامعه اسلامی با رویکرد اسلامی در مقایسه با پاسخ‌های آماده علوم انسانی غربی؛
۲. ضعف در رویکرد مبنایی و اندیشه‌ای به علوم انسانی غربی و ضعف در آشنایی با رویکردهای انتقادی
۳. روزآمد نبودن محتوای علوم حوزوی موجود متناسب با نیازها و سبک زندگی جامعه و پرکردن خلاء آن توسط علوم انسانی غربی
۴. ضعف نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر و عدم هماهنگی نهادهای متولی برای حل مسائل علوم انسانی اسلامی
۵. ضعف در فرهنگ‌سازی علوم انسانی اسلامی و پمپاژ گفتمان علوم انسانی غربی شامل فرهنگ و محتوا توسط رسانه‌های غربی و فقدان مواجهه ناکافی با آن
۶. تولید ناکافی محتوای علوم انسانی انتقادی و علوم انسانی اسلامی
۷. کمبود عالمان متعهد، متعهد و مسلط به علوم انسانی و اسلامی

#### چالش‌های مسئله

چالش‌های سخت‌افزاری: یکی از مهمترین موانع پیش روی اسلامی‌سازی علوم انسانی، عدم وحدت و ارتباط کافی میان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها به عنوان مهمترین مراکز تدریس و ترویج علوم انسانی غربی است. همچنین عدم نهادهای واسطه میان این دو نهاد، مهمترین عامل سخت‌افزاری در مسیر شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی است. به نظر می‌رسد میز اسلامی‌سازی علوم انسانی که در ذیل دفتر تبلیغات اسلامی تعریف شده است بتواند نقش واسطه‌ای مهمی میان این دو نهاد علمی در کشور ایفا نماید. بنابراین به لحاظ ساختاری عدم تحول در نهادهای مدرنی مانند دانشگاه‌ها در راستای بومی و اسلامی‌کردن آنها و عدم حمایت از روزآمدشدن نهادهای سنتی اسلامی مهمترین چالش سخت‌افزاری پیش‌رو است.

چالش‌های نرم‌افزاری: افزون بر این به‌رغم منابع غنی که از سنت گذشته اسلامی به حوزه‌های علمیه به ارث رسیده است، به دلیل عدم آشنایی با علوم انسانی غربی، هنوز بسیاری از شبهات مطرح در این حوزه بی پاسخ مانده‌اند. برخی این موانع عمدتاً نرم‌افزاری را می‌توان به این شرح برشمرد:

۱. آشنایی محدود حوزویان با بنیان‌های علوم انسانی غربی و زبان‌های اروپایی
۲. کمبود نیروهای علمی متخصص در علوم انسانی و مُشرف به علوم انسانی اسلامی
۳. ضعف نهادهای حوزه ترجمه و عدم اثربخشی سیاستگذاری‌ها برای مواجهه با علوم انسانی غربی
۴. عدم رشته‌های علمی ضروری برای شناخت صحیح علوم انسانی غربی
۵. ضعف کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی
۶. بومی نبودن ساختارهای ارتقاء علمی
۷. عدم ارتباط موثر علمی میان حوزه و دانشگاه
۸. عدم نفوذ و اثربخشی علوم انسانی اسلامی در عرصه‌های عینی جامعه

شبکه مسائل مرتبط: مسئله میز، فقدان گفتمان انتقادی با رویکرد اسلامی، خود شامل مسائل متعدد دیگری است و بحث از آن در برخی از نهادهای کشور در حال پیگیری است. با این حال در میز اسلامی‌سازی علوم انسانی قطب بنیادهای نظری و نظام متقن علوم اسلامی و انسانی، به دلیل اقتضائات و ظرفیت‌های موجود، تنها به برخی از مهمترین مسائل پرداخته می‌شود که می‌توان آنها را در نمودار زیر ارائه کرد:

ضعف گفتگواندیشی و رویکرد اسلامی در ساختارهای معرفتی و فرهنگی علوم انسانی

**رویکرد کاربردی:**

۱. کاربردی نشدن علوم انسانی اسلامی
۲. عدم پاسخگویی علوم انسانی موجود به نیازهای بومی ایران و تناسب آن‌ها با نیازهای جوامع مدرن
۳. ضعف در روش‌شناسی بنیادین علوم انسانی اسلامی (عدم درک عمیق روش‌ها، انتخاب درست آن‌ها و تولید روش متناسب با هر موضوع)
۴. فقدان آینده‌نگری نسبت به علوم انسانی اسلامی

**رویکرد اسلامی:**

۱. عدم ابتناء نظریه‌های علوم انسانی کلاسیک بر مبانی اسلامی و ضعف در علوم واسطه بین مبانی و علوم انسانی مثل فقه‌ها و فلسفه‌های مضاف
۲. عقب‌ماندگی علوم انسانی اسلامی در صادرات علم و فعالیت جهانی
۳. فقدان نقشه راه تحول در علوم انسانی
۴. عدم سیاستگذاری در رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها نسبت به علوم انسانی اسلامی

۱. فقدان نظام علوم انسانی کشور و عدم شبکه‌سازی علمی با محوریت راهبران فکری و نظریه‌پردازان
۲. ضعف در سیستم‌سازی متناسب با علوم انسانی بومی
۳. وابستگی مستقیم نهادهای تولید علوم انسانی اسلامی به بودجه‌های دولتی
۴. مشکلات مالی و کم‌توجهی به تخصیص بودجه‌های لازم برای تحول علوم انسانی
۵. فقدان ابزارهای لازم جهت حمایت از تولید، پرورش و تحقق ایده‌های نوآورانه بومی
۶. گسترش بدون پشتوانه فکری (شامل منابع، اساتید و نظریه‌پردازان رشته مورد نظر) رشته‌های علوم انسانی
۷. فقدان تقسیم کار متناسب با ظرفیت هر یک از نهادهای علمی و شکل نگرش‌های صحیح تعامل حوزه و دانشگاه

عدم تناسب ساختارهای موجود جهت دستیابی به علوم انسانی اسلامی

انان  
ضعف در بسط پردازان علوم انسانی اسلامی و محوریت یافتن نظریه پردازان علوم انسانی اسلامی

**فرهنگ عمومی و اقتضائات آن نسبت به علوم انسانی:**

۱. نگرش منفی نسبت به علوم انسانی به‌عنوان دانشی غیر تخصصی، ناکارآمد و غیر سودآور یا آینده‌شغلی مبهم
۲. عدم آشنایی تحصیل‌کردگان با ماهیت علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی
۳. فقدان زبان بلیغ، ادبیات مشترک با جامعه و توان رسانه‌ای قوی برای تبیین ماهیت و منافع علوم انسانی اسلامی

**نظریه پردازان علوم انسانی اسلامی:**

- ۱- عدم محوریت راهبران فکری و نظریه‌پردازان علوم انسانی اسلامی در تحول علوم انسانی
- ۲- کمبود نیروهای متخصص و متعهد آشنا به مبانی اسلامی و علوم انسانی غربی
- ۳- عدم اهتمام نظریه‌پردازان علوم انسانی اسلامی به طراحی مهارت‌های لازم به‌ویژه برای دوره‌های کارشناسی و کاربردی‌سازی علوم انسانی اسلامی
- ۴- کم‌توجهی نظریه‌پردازان علوم انسانی اسلامی به مسائل و نیازهای روز جامعه
- ۵- فراهم نبودن بسترهای لازم برای شکل‌گیری و به‌نیجه‌رسیدن ایده‌های نظریه‌پردازان
- ۶- فراهم نبودن بسترهای لازم برای عملیاتی و اجرایی شدن ایده‌های نظریه‌پردازان

**متعلمین علوم انسانی اسلامی:**

- ۱- عدم تربیت عوامل انسانی مستقل، عزت‌مند دینی و دارای اعتماد به نفس علمی جهت رویارویی با علوم انسانی
- ۲- ضعف در طراحی مهارت‌های لازم برای تربیت نیروهای ماهر به‌ویژه در دوره‌های کارشناسی به‌عنوان پیادمنظام علوم انسانی اسلامی

۱. عدم تناسب ساختار ارتقاء علمی با نیازهای و مسائل جامعه دینی
۲. وجود بوروکراسی در نهادهای علمی، آموزشی و پژوهشی موجود

پیشینه اقدامات در سطح کشور:

با توجه به ویژگی زمان بر بودن تکوین علم به طور کلی و علوم انسانی به طور خاص و نیز سابقه نه چندان طولانی ما در مواجهه با علوم انسانی غربی، طرح مسئله اسلامی سازی علوم انسانی پیشینه زیادی در کشور ما ندارد. مهمترین اقدام اساسی، بعد از انقلاب اسلامی در قالب انقلاب فرهنگی صورت گرفت که ماحصل آن، تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. پس از این اقدام کلان، فعالیت هایی را که بعضی از علما و نخبگان برای حل این مسئله انجام داده اند می توان در دو دسته، طبقه بندی کرد:

الف) نهادها و موسسات پژوهشی-آموزشی: با توجه به نوع مواجهه با علوم انسانی که بیشتر معطوف به وجه معرفتی آن می شده است، نهادها و موسسات زیر شکل گرفتند:

۱. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه از اولین نهادها در این زمینه بود که با نگاهی آموزشی-پژوهشی می کوشید تا میان علوم انسانی رایج در دانشگاه ها و علوم اسلامی حوزوی تعاملی برقرار کند، هرچند حجم و عمق فعالیت ها مطلوب نبوده است.

۲. دانشگاه امام صادق (ع) نیز با اتخاذ رویکردی تا حدی مشابه به این امر اهتمام داشته است. اما اولاً بیشتر بر آموزش تاکید داشته و ثانیاً در رشته هایی محدود (پنج رشته) به این مسئله توجه نشان داده است.

۳. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) نیز هرچند رشته های بیشتری را در نسبت به دانشگاه امام صادق (ع) پوشش داده است، اما با تاخیری نسبی (۱۳۷۴) شروع به فعالیت نمود.

۴. موسساتی نظیر فرهنگستان علوم اسلامی، هرچند اقداماتی در علوم انسانی انجام داده اند، اما بیشتر بر تحول در علوم اسلامی تاکید داشته اند.

۵. برخی از دیدگاه ها نیز قائم به شخصیت های علمی در حوزه و دانشگاه بوده است که می توان به آراء و دیدگاه های آیت الله مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی، دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر مهدی گلشنی و در نسل بعد، دکتر خسرو باقری، دکتر حسین کچویان، دکتر حمید پارسانیا، دکتر سعید زیباکلام و نظایر آنها اشاره کرد.

ب) اغلب این نهادها و موسسات مشابه که بسیاری از آنها در اینجا ذکر نشد، رویکردی پژوهشی-آموزشی داشته اند. از مدتی قبل با توجه به اهمیت و تاثیر دیدگاه نهادی و روان شناختی بر شکل گیری علوم انسانی، موسسات و نهادهایی با رویکرد راهبری اقدام به حل مسئله مذکور نموده اند که دو نهاد ذیل از مهمترین نهادها در این دوره می باشند:

۱. شورای تحول در علوم انسانی که از سال ۱۳۸۸ و در ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی تاسیس شده و بیشتر به وجه انتقادی علوم انسانی می‌پردازد و رویکرد اسلامی خاصی ندارد. به علاوه بیشتر به قلمرو آموزش محدود مانده و نسبت به اقتضائات پژوهشی، علمی و اجتماعی تحول در علوم انسانی توجه چندانی ننموده است.

۲. میز اسلامی سازی علوم انسانی که ذیل قطب بنیادهای نظریه و نظام متقن علوم اسلامی و انسانی در دفتر تبلیغات اسلامی قم تشکیل شده و با نگاهی راهبردی و رویکرد اسلامی به حل مسئله پرداخته است.

چرخه عمر مسئله:

چرخه عمر این مسئله شامل سه مرحله است:

۱. عارضه: توجه نخبگان به مقید کردن علوم انسانی غربی، مخصوصاً در محصولات آن، در طرح «مشروطه مشروعه» شیخ فضل الله نوری به عنوان نماد این عارضه.

۲. اختلال: توجه به تعارض مبانی بخش‌هایی از علوم انسانی با مبانی و ارزش‌های اسلامی در تقابل نخبگان مسلمان با تفکرات مارکسیستی؛

۳. معضله: مطالبه عمومی برای تغییر و اصلاح با وقوع انقلاب اسلامی و پیشگامی نخبگانی نظیر امام خمینی (ره)، علامه طباطبائی، شهید مطهری، شهید بهشتی و .... و وقوع انقلاب فرهنگی در استمرار این مطالبه عمومی و عدم پاسخگویی به دلیل ترور نخبگان، وقوع جنگ تحمیلی و مشکلات پس از آن.

۴. تربیت نسل سوم پس از انقلاب با تکیه بر علوم انسانی غربی برای اداره کشور و ضعف گفتمان انتقادی و رویکرد اسلامی در حوزه علوم انسانی و تقابل مهارت‌ها و آموخته‌های ایشان با ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی

چارچوب نظری مسئله: به لحاظ مبانی ارزشی، مهمترین ویژگی علوم انسانی غربی، نگاه سکولار به انسان و هستی است. این ویژگی خود را مادی‌گرایی، در سوژکتیویته، پوزیتیویسم، نسبی‌گرایی و شکاکیت موجود در علوم انسانی نشان می‌دهد. با نظر به این ویژگی‌ها، متفکرین مسلمان به دلیل نوع جهان‌بینی الهی‌شان با این علوم مواجهه‌ای انتقادی دارند و می‌کوشند به علوم انسانی اسلامی مطلوب برسند.

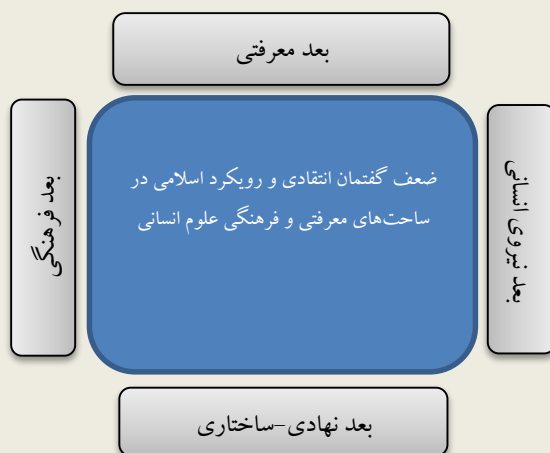
ابعاد نظری

با توجه به این تفاوت در جهان‌بینی، به لحاظ روشی و تکنیکال، اتخاذ نگاه غیر انتقادی به علوم انسانی غربی، هرچند در کوتاه‌مدت مسائل جامعه اسلامی را حل می‌کند، اما در درازمدت، نظم دینی آنرا در هم می‌ریزد و کارآمدی ندارد. عدم سازگاری مبانی این علوم با مبانی و ارزش‌های اسلامی و عدم حجیت آنها، باعث شده تا در یک دهه

اخیر، اجماعی کلی در میان نخبگان، مبنی بر ضرورت نگاه انتقادی و تولید علوم انسانی اسلامی شکل بگیرد. با این حال این اجماع، در حد کلیات بوده و به جزئیات علوم ورودی نداشته است.

می‌توان به آمار پذیرفته‌شدگان داوطلبین کنکور در حوزه علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور توجه کرد. این آمار برای سال ۱۳۹۴ در حدود ۱۸۰ هزار دانشجو بوده در حالی که تنها ۱۸ هزار داوطلب وارد حوزه‌های علمیه، به‌عنوان مهمترین نهاد متولی علوم اسلامی شده‌اند. به‌همین نسبت می‌توان به مقایسه مراکز پژوهشی علوم انسانی (به‌شکل غیر انتقادی) با مراکز پژوهشی علوم اسلامی پرداخت. با توجه به ضرورت تسلط نظریه‌پردازان آینده برای اسلامی‌سازی علوم انسانی به مبانی علوم اسلامی، می‌توان وضعیت ضعیف موجود و آینده را در پرتو این آمار بررسی نمود.

مدل مفهومی و نظریه پایه در حل مسئله: برخلاف تلقی اولیه، علوم انسانی مدرن غربی، صرفاً یک محصول ناب معرفتی نیست، بلکه بسط و گسترش آن، چه در فرهنگ غربی و چه فرهنگ‌های دیگر، تابع بسط و گسترش نهادها، ساختارها و سازمان‌های عینی و اجرایی است. از این‌رو مدل مفهومی برای حل این مسئله، متکی بر چهار وجه معرفتی، نهادی-ساختاری، نیروی انسانی و فرهنگی است که در نمودار زیر نشان داده می‌شود:



نظریه پایه: محوریت بخشی به نظریه‌پردازان علوم انسانی اسلامی و شکل دادن به گفتمان علمی پیرامون نظرات ایشان و فرهنگ‌سازی: مدل مفهومی فوق، عمدتاً با تکیه بر این دیدگاه شکل گرفته است که اسلام، نگاهی جامع نسبت مسائلی دارد که از سوی علوم انسانی مطرح می‌شوند. بنابراین می‌توان با تکیه بر راهبرانی الهی با

تهذیب نفس از تعلقات دنیوی رایج در علوم انسانی، رها شده‌اند و نگاهی الهی به علم دارند، به‌عنوان محور این فعالیت بهره برد. در مرحله بعد، شاگردان این راهبران فکری که پا در مبانی و ارزش‌های اسلامی دارند و توانایی و خلاقیت نظریه‌پردازی دارند، اقدام به مقایسه مبانی و ارزش‌های اسلامی با علوم انسانی غربی نمایند. مطالعات تطبیقی و انتقادی و نگاه مسئله‌محور به آنها این امکان را می‌دهد که مبانی و ارزش‌های اسلامی را در علوم انسانی اشراب کرده و برای این منظور فرهنگ‌سازی کنند.

درجه اهمیت:

با توجه به اولویت‌های تأکید شده توسط مقام معظم رهبری نقد علوم انسانی سکولار و تولید علوم انسانی اسلامی، از مسائل با اولویت ساختارهای فرهنگی و علمی نظام جمهوری اسلامی می‌باشد و حرکت عظیم و مهم تمدن‌سازی اسلامی متوقف و مبتنی بر تولید علوم انسانی اسلامی می‌باشد. بر این اساس اهمیت ایجاد فضای گفتگومانی انتقادی به علوم انسانی مدرن در مراکز علمی، پژوهشی و دانشگاهی از منظر سلبی و تلاشی برای فعال کردن ظرفیت‌های حوزه‌ی علمی در راستای تولید علوم انسانی از منظر ایجابی به طور قطع یکی از اولویت‌های اصیل دفتر تبلیغات اسلامی قرار گرفته است.

سایر موارد ضروری به تشخیص میز: